یادداشت روز

مهدی رضوی‌کیا
info@khorasannews.com

هجرت برای ایران، بازگشت به خراسان

گاهی تاریخ، همه شکوه خود را در یک بازگشت خلاصه می‌کند؛ بازگشتی که نه بازگشت یک پیکر، که رجعت یک رسالت است. نه پایان یک زندگی، که فرود آمدن یک عمر جهاد در آستانه آرامش است. اکنون مشهد، شهر اشک و زیارت، شهر نور و ولایت، شهر آغازهای بزرگ، در آستانه چنین لحظه‌ای ایستاده است: بازگشت فرزندی از فرزندان خود؛ مردی که از این شهر برخاست، برای ایران هجرت کرد، برای ملت زیست، برای عزت وطن ایستاد و سرانجام، پس از عمری زعامت، مجاهدت و پدری، به آغوش امام رضا علیه‌السلام بازمی‌گردد.

او روزی از مشهد رفت؛ اما نه برای آن که از مشهد جدا شود. رفت تا مشهد را در قامت ایران معنا کند. از جوار خورشید رضوی برخاست و به قلب میدان رفت؛ به تهران، به مرکز تصمیم‌های دشوار، به میانه طوفان‌های بزرگ، به سنگر صبر و تدبیر و ایستادگی. هجرت او از مشهد به تهران، یک جابه‌جایی جغرافیایی نبود؛ هجرت یک تربیت‌یافته مکتب رضوی بود به میدان سنگین خدمت، سیاست، رهبری و تاریخ‌سازی.

او مشهدی بود؛ اما مشهدی بودنش فقط در شناسنامه نبود. مشهدی بودن او در ادب خدمت، در ساده‌زیستی، در مهربانی پدرانه، در صلابت مؤمنانه، در فهم کرامت مردم و در ایستادگی برابر ستم معنا می‌شد. او از شهر امام مهربانی‌ها برخاست و در همه سال‌های رهبری کوشید سایه‌ای از همان مکتب را بر سر ملت بگستراند: برای جوانان امید خواست، برای محرومان عزت، برای کشور استقلال، برای امت سربلندی و برای ایران جایگاهی بلند در برابر نگاه تحقیرآمیز دشمنان.

ایران در این سال‌ها تنها یک رهبر نداشت؛ پدری داشت که رنج ملت را می‌فهمید و امید ملت را پاس می‌داشت. در روزگار تردید، یقین آفرید؛ در روزگار تهدید، شجاعت آموخت. در روزگار فشار، ایستادگی را به فرهنگ تبدیل کرد، او ملت ایران را نه جمعیتی پراکنده، که امتی بزرگ، برخاسته، دارای مأموریت و شایسته آینده‌ای بلند می‌دید؛ ملتی که می‌تواند از دل محاصره، راه بسازد؛ از دل زخم، شکوه بیافریند و از میان طوفان، پرچم خود را برافراشته‌تر بیرون آورد.

عظمت او در شکوه ظاهری نبود؛ در سادگی‌اش بود. در خانه‌ای بی‌ادعا، در زندگی‌ای بی‌تجمل، در کلامی پدرانه و در قلبی وسیع برای همه اقشار ملت. بزرگ بود، اما بزرگ‌منش؛ مقتدر بود، اما مهربان؛ سخت‌کوش بود، اما بی‌ادعا؛ رهبر بود، اما از مردم فاصله نگرفت. او از آن مردانی بود که عظمتشان در کاخ‌ها دیده نمی‌شود؛ در صبرشان، در تحملشان، در نجابتشان، در بار سنگینی که بی‌هیاهو بر دوش می‌کشند و در محبتی که از مردم دریغ نمی‌کنند، شناخته می‌شوند.

و اکنون، پس از سال‌ها خدمت صادقانه، عالمانه و شجاعانه، پس از سال‌ها پاسداری از عزت ایران، پس از یک عمر مجاهدت در میدان‌های سخت، او به شهر خود بازمی‌گردد. اما این بازگشت، بازگشت یک مسافر خسته به خانه نیست؛ بازگشت یک قهرمان از میدان است. بازگشت مردی است که از مشهد رفت تا ایران سربلندتر بایستد و امروز ایران بزرگ، او را با اشک، افتخار و احترام، به مشهد بازمی‌گرداند.

این بازگشت، رازی رضوی در دل خود دارد. قرن‌ها پیش، امام رضا علیه‌السلام از مدینه به خراسان آمد؛ هجرتی که در ظاهر، غربت امامی مظلوم بود، اما در باطن، آغاز فصلی نو در تاریخ ایران و تشیع شد. آن هجرت، خاک این سرزمین را با نور ولایت آشنا کرد؛ طوس را مشهد ساخت؛ زیارت را به تمدن تبدیل کرد؛ محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام را در جان ایران نشاند و این سرزمین را به خانه‌ای بزرگ برای ایمان، کرامت و ولایت بدل نمود.

امروز، در امتداد همان افق، فرزندی از مکتب رضوی که از مشهد به تهران هجرت کرده بود، پس از انجام مأموریت تاریخی خود، به مبدأ بازمی‌گردد. اگر هجرت امام رضا علیه‌السلام به خراسان، ایران را در مدار ولایت قرار داد، هجرت این مرد رضوی از مشهد به تهران، در روزگار ما جلوه‌ای از همان حقیقت در میدان سیاست، مقاومت، مردم‌داری و ملت‌سازی بود.

او از کنار حرم برخاست تا در مرکز ایران آموزه‌های همان مکتب را زندگی کند: علم، کرامت، صبر، شجاعت، محبت به مردم و ایستادگی برابر قدرت‌های زیاده‌خواه.

در زندگی چنین مردانی، شهادت پایان نیست؛ امضای قبول است. او خود را فدای ملت کرد؛ نه فقط در لحظه آخر، که در سراسر عمر. سال‌ها از آسایش خود گذشت تا ایران آسوده‌تر بماند. سال‌ها زخم تهدید، فشار، ملامت، بحران و طوفان را بر جان خرید تا قامت ملت خم نشود. سال‌ها در سنگر زعامت ایستاد و پدرانه، مردم خود را از گردنه‌های دشوار عبور داد و سرانجام، آنچه عمری در باطن زیسته بود، در ظاهر نیز رخ نمود: فدا شدن برای ملت.

اکنون او بازمی‌گردد؛ اما نه تنها. همراه او، تاریخ می‌آید. نسل‌هایی می‌آیند که با کلامش امید گرفتند؛ جوانانی که با نگاهش خود را باور کردند. خانواده‌هایی که دعایشان را بدرقه راه او کردند. رزمندگانی که از صلابتش نیرو یافتند. محرومانی که در دلش جای داشتند و مردمی که او را نه از فاصله قدرت، که از نزدیکی پدرانه می‌شناختند. امروز مشهد فقط میزبان یک پیکر مطهر نیست؛ میزبان حافظه یک ملت است.

چه تقدیر باشکوهی است: مردی که عمری پناه یک ملت بود، خود در پناه ولی‌نعمت همان ملت آرام می‌گیرد. مردی که سال‌ها بار ایران را بر دوش کشید، اکنون خستگی مقدس خود را در کنار ضامن آهو بر زمین می‌گذارد. مردی که از مشهد رفت تا ایران را بزرگ‌تر کند، اکنون به مشهد بازمی‌گردد تا شهر امام رضا علیه‌السلام، او را برای همیشه در آغوش بگیرد.

این بازگشت، تحویل یک امانت تاریخی است. تهران، پس از سال‌ها، امانت بزرگ خود را با اشک و احترام به مشهد می‌سپارد و مشهد باید بداند که در این روز، فقط یک شهر نیست، بلکه آستانه بدرقه یک ملت است. خیابان‌های مشهد در آن روز فقط مسیر حرکت مردم نیستند؛ صفحه‌های تاریخ‌اند. صحن‌های حرم فقط جایگاه زیارت نیستند؛ آغوش گشوده ایران‌اند. گنبد طلا فقط بر فراز یک شهر نمی‌درخشد؛ بر فراز اندوه، افتخار و وفاداری یک ملت طلوع می‌کند.

این وداع باید در شأن مشهد باشد؛ در شأن ایران باشد؛ در شأن حرم رضوی باشد و در شأن مردی باشد که زندگی خود را وقف عزت این ملت کرد. این جا سخن از مراسمی معمولی نیست. این جا سه تاریخ به هم می‌رسند: تاریخ رضوی، تاریخ انقلاب و تاریخ ایران. این جا هجرت و بازگشت، خدمت و شهادت، خستگی و آرامش، پدری و وفاداری، همه در یک قاب بزرگ معنا می‌شوند.

مردم مشهد، در این لحظه فقط تماشاگر نیستند؛ صاحب تکلیف‌اند. تکلیف آنان فقط گریستن نیست، گرچه اشک در چنین روزی زبان دل است. تکلیف آنان فقط حضور نیست، گرچه حضور میلیونی امضای وفاداری است. تکلیف مردم مشهد، میزبانی در شأن امام رضا علیه‌السلام است؛ میزبانی کریمانه، منظم، مهربان، باشکوه و تاریخی.

مشهدی‌ها باید در این روز، خادمان همه ایران باشند. باید خانه‌ها، دل‌ها، خیابان‌ها، موکب‌ها، مساجد، هیئات، گروه‌های مردمی و همه ظرفیت شهر را برای زائران و دلدادگانی که از سراسر کشور می‌آیند آماده کنند. باید به جهان نشان دهند شهری که قرن‌ها آداب زیارت آموخته، امروز آداب بدرقه تاریخی را نیز می‌داند. باید نشان دهند که می‌توان هم سوگوار بود و هم منظم؛ هم داغدار بود و هم کریم؛ هم اشک ریخت و هم راه را برای دیگران گشود؛ هم حماسه آفرید و هم حرمت جان و آرامش مردم را پاس داشت.

وظیفه مردم مشهد، این است که این بازگشت را به حماسه‌ای بی‌نظیر تبدیل کنند؛ حماسه‌ای از ادب، محبت، نظم، ایثار و حضور. هر مشهدی در آن روز باید خود را خادم این وداع بداند؛ راهنمای زائران باشد، یاری‌رسان سالمندان و خانواده‌ها باشد، مراقب نظم و آرامش شهر باشد، آب و نان و لبخند و محبت را از مهمانان امام رضا علیه‌السلام دریغ نکند و اجازه ندهد هیچ خستگی، ازدحام یا سختی، شکوه این لحظه را کم‌رنگ کند.

اکنون مشهد باید برخیزد؛ نه فقط برای سوگ، که برای شکوه. نه فقط برای بدرقه، که برای بیعتی دوباره. نه فقط برای گریه، که برای ثبت یک حماسه. فرزند مشهد پس از عمری هجرت، جهاد، زعامت و شهادت، به آغوش امام رضا علیه‌السلام بازمی‌گردد و این مردم مشهدند که باید نشان دهند شایسته میزبانی از چنین بازگشتی هستند.

تاریخ خواهد نوشت: مردی از مشهد برخاست، به تهران هجرت کرد، ایران را پدرانه پاس داشت، عزت یک ملت را برافراشت، خود را فدای مردم کرد و سرانجام، با شکوهی رضوی، به خانه بازگشت.

و مشهد، آن روز، فقط شهر بازگشت او نخواهد بود؛ شهر وفاداری یک ملت خواهد شد.

حرف مردم

۰۵۱۳۷۰۰۹۳۰۰ ۰۹۳۳۵۳۲۶۸۹۱

ستون «حرف مردم» انعکاس دهنده صادق حرف‌های شماست.

■ رهبر شهید از قبل از انقلاب، ارتباط خوبی با نظامی‌ها داشتند و بعد از انقلاب هم از عوامل اتحاد سپاه و ارتش بودند. روحش شاد.

■ منفعت آمریکا در شرایط کنونی، تداوم تفاهم‌نامه ایران و آمریکا و نقض عهدهایی است که گاه و بیگاه کاخ سفید انجام می‌دهد.

■ آقای مخاطب حرف مردم! بالاخره زمانبره تا درست بشه... کمی باید تحمل کرد تا بانک درست بشه... فقط یاد گرفتیم غر بزنیم. بقیه جاها هم چنین مشکلاتی ممکنه داشته باشن.

■ لطفا نمایندگان مردمی مجلس محترم، اعتراضات مردم به تصمیمات و سوءمدیریت‌ها و کم کاری دولت را به گوش دولتمردان برسانند و با طرح سوال و استیضاح از حق مردم دفاع شود. مردم متین ایران واقعا در تنگنای معیشتی هستند و نیاز به اقدامات اساسی و فوری است. این تنگنا و سختی ممکن است به خشونت و آسیب بیشتر جوانان پرشور ایران منجر شود.

■ به جوانان نابغه و نخبه این کشور اعتماد کنید؛ ما می‌توانیم بر هر مشکلی پیروز شویم. به جوانان دانشمند این کشور ایمان داشته باشیم و از ایجاد هرگونه یاس و ناامیدی در کشور پرهیز کنید؛ اگر آن‌ها توانسته‌اند ما هم می‌توانیم فقط با مقداری تلاش و امید و از همه مهم‌تر ایمان.

■ سلام و درود بر سید مجید عزیز؛ سردار منتظر انتقام خون رهبر شهید و فرماندهان نظامی و نخبه‌های هسته‌ای هستیم. ان شاءا... نابودی همیشگی رژیم کودک کش صهیونیستی.

■ جعفرخان یوسفی! رهبر معظم انقلاب بهتر از هر کس می‌دانند چگونه مصالح کشور را مدیریت کنند.

■ قدرت ما به برکت خون شهداست؛ مردمی که مبعوث شده‌اند که در میدان باشند و عاشقانه برای قائد شهیدشان می‌آیند. از دولت و سایر دستگاه‌ها خواهش می‌کنم با تعطیلی رسمی چهارشنبه موافقت کنند تا خیل عظیم عزاداران بتوانند تا پنج شنبه در مشهد حضور یابند و بدرقه تاریخی رهبر انقلاب تا حرم مطهر رضوی را شاهد باشیم؛ این درخواست عموم مردم است.

■ برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی اعم از نظامی، اقتصادی و سیاسی، ایران به یک فرماندهی متمرکز اطلاعاتی قوی و فراگیر نیاز دارد؛ برای امنیت جمعیت نود و چند میلیونی حداقل به یک نیروی متمرکز یک میلیونی که رعب و وحشت در دل دشمنان این آب و خاک بیندازد، نیازمندیم.

■ ما دچار حجاب معاصرت هستیم و خیلی ابعاد این روزها را درک نمی‌کنیم. این صحنه تشییع با شکوه که ما می‌بینیم جزو نادرترین صحنه‌های تاریخ معاصر ایران در ۲۰۰-۳۰۰ سال گذشته است.

■ این مملکت زیر سایه امام زمان(عج) است و همیشه مشمول رحمت الهی و امدادهای غیبی بوده که باید با استفاده صحیح، شکرگزار این موقعیت‌ها باشیم. ایمان دارم که نصرت الهی برای گرفتن انتقام خون امام شهید نیز خواهد رسید؛ دل قوی دارید که روز انتقام نزدیک است.

■ چرا باید شبکه‌هایی در کشور فعال باشند که باعث نفوذ دشمن، شست‌وشوی مغزی مردم و ایجاد و نشر خبرهای دروغ و ضدایرانی، تهییج کاذب و ایجاد فتنه و باعث و بانی شهید و زخمی شدن هموطنان‌مان شود. وقتی دولت به هر دلیل واهی و پوچ نمی‌خواهد این کار واجب و حیاتی را انجام بدهد، شورای عالی فضای مجازی از دست دولت خارج شود و تحت پوشش نیروهای نظامی که حامی و جان بر کف واقعی مردم هستند، قرار بگیرد.

■ با یک جوان دانشجوی عراقی که دیشب به مشهد رسیده بود، صحبت می‌کردم، از حس و حال عجیب عراقی‌ها نسبت به آقای شهید می‌گفت. گفتم جالب است که رهبر یک کشور در کشوری دیگر این قدر محبوب باشد، با جدیت گفت ایشان رهبر ایران نبودند، رهبر همه مسلمانان بودند. خواست توضیح بدهد تا به من منظورش را بفهماند، منقلب شد. به او گفتم منظورش را می‌فهمم و قبول دارم.

فرودگاه صنعا؛ آوردگاه جدید؟!

ورود هواپیمای ایرانی به صنعا پس از محاصره ۱۱ ساله نشان می‌دهد منطقه در وضعیتی قرار دارد که با وجود توقف موقت جنگ، در چنبره نوعی «پویاییِ موازنه‌سازی» قرار گرفته است

صابر گل عنبری- فرود نخستین هواپیمای مسافربری ایرانی در فرودگاه صنعا پس از ۱۰ سال و انتقال شماری از مقامات صنعا به تهران، در شرایط کنونی فراتر از یک پرواز معمولی، واجد پیام‌ها و دلالت‌های خاص خود در سپهر سیاسی منطقه و نشان‌دهنده بی‌پروایی و جسارتی است که پس از جنگ اخیر در رفتار و رویکرد منطقه‌ای ایران بروز کرده است.

ظاهرا جنگنده‌های عربستان تلاش کردند مانع ورود این هواپیما به حریم هوایی یمن شوند، اما بدون توجه به هشدارها، در فرودگاه صنعا به زمین نشست. سپس انصارا... با هشدار به عربستان تهدید کرد که در صورت مقابله مجدد با شکستن محاصره صنعا با حمله به فرودگاه‌ها و تأسیسات حیاتی این کشور در دریا و خشکی، پاسخ همه‌جانبه خواهند داد. دیروز هم ترکی المالکی سخنگوی ائتلاف عربستان در واکنش، تهدید به حمله «بی‌سابقه» کرد.

فرودگاه صنعا سال‌ها تحت محاصره ائتلاف عربستان و امارات قرار داشت تا این که در سال ۲۰۲۲ و در چارچوب آتش‌بس، پروازهای محدودی از امان و قاهره از سر گرفته شد. با این حال، در سه سال اخیر و در پی حملات اسرائیل، این فرودگاه آسیب‌های گسترده‌ای دید و در ماه می ۲۰۲۵، تنها هواپیمای مسافربری موجود در آن نیز هدف تل‌آویو قرار گرفت و از بین رفت. در کنار آن هم از حدود ۱۰ سال پیش هیچ گونه خط مستقیم و رسمی هوایی و دریایی میان ایران با متحد یمنی خود وجود نداشت.

از این رو، پرواز دیروز «ایرباس ۳۴۰» شرکت ماهان ایر از تهران به صنعا احتمالا مقدمه شکل‌گیری این خط مستقیم باشد که خود جلوه‌ای دیگر از تحولات منطقه‌ای ناشی از جنگ اخیر را نشان می‌دهد. پیش از این جنگ، طرف ایرانی به دلیل رویکرد به شدت محتاطانه خود و همچنین از بیم تبعات آن، حتی به چنین اقدامی نمی‌اندیشید، چه رسد به این که آن را عملیاتی کند. اما تهران پس از منطقه‌ای کردن جنگ و شکسته شدن خیلی از تابوها و خطوط قرمز و فروریختن بیم و واهمه‌ها با درک محدودیت‌های بازیگران منطقه‌ای چون عربستان، بدون دغدغه خاصی در صرافت شکستن حصار هوایی متحد یمنی خود برآمده است تا با برقراری یک خط هوایی مستقیم، موازنه جدیدی در شبه جزیره عربستان رقم بزند.

در واقع، در صورت تداوم و تثبیت پروازهای تهران به صنعا و شکستن عملی حصار هوایی آن، راه برای حضور مستقیم نظامی و دیپلماتیک ایران در این کشور و پل هوایی تسلیحاتی هموار خواهد شد. این رویکرد، تحولی دیگر نسبت به دوران پیش از جنگ محسوب می‌شود؛ دورانی که هر رفت و آمدی به یمن بسیار سخت و در صورت امکان آن، مستلزم پنهان‌کاری زیادی بود. اما به نظر می‌رسد تهران پس از جنگ خود را در موقعیتی می‌بیند که بدون ملاحظه و اعتنایی در صدد عبور از این سیاست پنهانکاری و محتاطانه بوده و آشکارا با اعزام هواپیما محاصره هوایی صنعا را به چالش می‌کشد.

از این رو، این تحول در صورت ادامه پروازها به احتمال زیاد عربستان را به شدت نگران خواهد کرد اما به نظر نمی‌رسد که ریاض در شرایط کنونی اقدام میدانی خاصی برای جلوگیری از آن انجام دهد. از یک سو، مقابله عملی با این پروازها می‌تواند به قیمت درگیری با تهران تمام شود؛ در حالی که تجربه جنگ اخیر و حملات مستمر به عربستان نشان داد ریاض به هر دلیلی که هست، تمایلی به ورود به درگیری ندارد. از دیگر سو، وقتی ریاض می‌بیند که آمریکا فعلا به خاطر انعقاد یادداشت تفاهم و باز شدن تنگه هرمز، حاضر شده خود را متعهد به توقف جنگ اسرائیل علیه لبنان کند، دیگر نمی‌تواند به مداخله و اشنگتن برای اعلام منطقه پرواز ممنوع در یمن به روی تهران دل ببندد.

با وجود این باید دید آمریکا در آینده در صورت پافشاری تهران بر راه اندازی این خط مستقیم هوایی چه واکنشی نشان خواهد داد؛ چون افزون بر ریاض، به احتمال زیاد اسرائیل و آمریکا و بازیگران دیگری نیز نسبت به این پرواز و تداوم آن به عنوان زنگ خطری جدی برای گسترش حضور مستقیم ایران در یمن تا کرانه‌های باب المندب خواهند نگریست؛ به ویژه تل‌آویو که از طریق جمهوری خودخوانده سومالی لند در صرافت کنترل این منطقه بسیار حیاتی است.

به نظر می‌رسد منطقه در وضعیتی قرار دارد که با وجود توقف موقت جنگ، در چنبره نوعی «پویاییِ موازنه‌سازی» قرار گرفته است؛ فرایندی که تا رسیدن به نظم مطلوب برای هر یک از طرفین، مسیری طولانی و پرمخاطره در پیش دارد. در این میان، طرف‌های درگیر در دوران تنفس‌های میدانی و آتش‌بس‌های مقطعی، می‌کوشند در کانون‌های راهبردی منطقه، از تنگه هرمز تا باب‌المندب معادلات تازه‌ای را تعریف کنند. این تلاش‌ها نشان می‌دهد که وضعیت کنونی، نه گذار به عصر صلح پایدار و توافق نهایی، بلکه صرفا آرامشی موقت بنا به اولویت‌های خاص هر طرف است که در آن بازطرف‌های درگیر برای حفظ موقعیت خود و موازنه‌سازی علیه یکدیگر قبل از انفجار دوباره اوضاع می‌کوشند.

ثبت پاسخگویی ۹۸ درصدی در سامانه ۱۳۷ شهرداری مشهد

«خدمات شهری»، پاسخگوترین معاونت شهرداری در سال گذشته

◄ **مرکز ارتباطات مردمی شهرداری** به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین درگاه‌های ارتباط مستقیم شهروندان با شهرداری، نقش مهمی در شناسایی مسائل شهری، اولویت‌بندی نیازها و ارزیابی میزان رضایتمندی مردم از مدیریت‌شهری دارد. بررسی آمارهای ثبت‌شده در این سامانه نشان می‌دهد که معاونت محیط‌زیست و خدمات شهری شهرداری مشهد، به‌دلیل مأموریت‌ها و ارتباط کاملا مستقیم با زندگی روزمره مردم، همیشه درصدر تماس‌ها و درخواست‌های ثبت‌شده در سامانه ۱۳۷ بوده و موضوعات مربوط به این معاونت همواره در بین پنج موضوع و مسئله پرتکرار قرار داشته است، آمارها و اطلاعات مرکز ارتباطات مردمی شهرداری می‌گوید که معاونت خدمات شهری با ۹۸ درصد پاسخگویی مناسب به درخواست‌های مردم در سال گذشته، پاسخگوترین معاونت شهرداری بوده است.

■ **معاون محیط‌زیست و خدمات شهری شهرداری مشهد** با بیان اینکه بیش از ۴۵ درصد از تماس‌های دریافتی در مرکز ارتباطات مردمی شهرداری در حوزه کاری این معاونت است، گفت: در سال ۱۴۰۴ بیش از ۵۶۰ هزار پیام از مردم در مرکز ۱۳۷ دریافت شده است که از این عدد ۴۵ درصد، معادل حدود ۲۸۸ هزار پیام، مربوط به معاونت خدمات شهری است که از این تعداد، ۱۴۰ هزار و ۱۸۸ پیام قابلیت پیگیری داشته است.

■ **مهدی یعقوبی** با اشاره به موضوعات پرتکرار و درخواست‌های مردم از این معاونت ادامه داد: براساس گزارش مرکز ارتباطات مردمی شهرداری مشهد بیش از ۲۶۶ هزار پیام در سال گذشته به سازمان‌های مربوط ارجاع شده است که در این میان ۳۱ هزار و ۵۳۰ پیام مربوط به رفت‌وروب و نظافت و شست‌وشوی معابر بوده است. رتبه دوم درخواست‌ها نیز با ۲۸ هزار و ۱۹۲ پیام مربوط به موضوعات مختلف و گسترده فضای سبز است.

■ وی با تأکید بر اینکه در سال گذشته ۹۸ درصد از تماس و درخواست‌های ثبت‌شده متعلق به این معاونت در سامانه ۱۳۷ شهرداری، در همان مرتبه اول به بهترین شکل ممکن پاسخ داده شده است، افزود: در مجموع و طبق آمار و اطلاعات مرکز ارتباطات مردمی شهرداری، معاونت خدمات شهری در چهار سال اخیر همواره یکی از پاسخگوترین معاونت‌های شهرداری مشهد بوده است و بیش از ۹۰ درصد درخواست‌هایی که از طریق ۱۳۷ به این معاونت ارجاع شده، با پاسخ مناسب همراه بوده است.

■ **معاون شهردار مشهد** ادامه داد: این روند پاسخگویی مناسب و سریع به مشکلات و درخواست‌های مردم در سازمان‌های زیرمجموعه معاونت خدمات شهری هم وجود دارد و در سال گذشته سازمان پسماند با ۹۶ درصد پاسخگویی مناسب، در بین همه سازمان‌های شهرداری رتبه دوم را کسب کرده است و در میان سازمان‌های زیرمجموعه معاونت خدمات شهری هم پاسخگوترین سازمان بوده است. در این بخش سازمان فردوس با ۹۴ درصد پاسخگویی مناسب رتبه دوم و سازمان پارک‌ها با ۹۳ درصد در رتبه سوم قرار دارد. دو سازمان سامان‌دهی مشاغل شهری و آتش‌نشانی هم از نظر پاسخگویی مناسب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

■ **یعقوبی** همچنین به شناسایی شبکه مسائل سازمان‌های زیرمجموعه این معاونت از طریق درخواست‌های مردم در مرکز ارتباطات مردمی شهرداری اشاره کرد و افزود: از طریق موضوعات و درخواست‌های مردمی ثبت‌شده در سامانه ۱۳۷ شبکه مسائل سازمان‌ها و ادارات کل زیرمجموعه معاونت را احصا کردیم تا ریشه اصلی این مسائل و مشکلات بررسی و برای کاهش و حل آن‌ها، یک راهکار اجرایی تدوین و عملیاتی شود.